

شرق آسیا؛ فرصت‌ها و تهدیدها در پیشبرد سیاست خارجی ایران

مصطفی امینی غفوری^۱، حاکم قاسمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده: برآمدن شرق آسیا در قامت قدرت جهانی و توسعه شگرف این منطقه در قرن بیست و یکم، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در عصر جهانی‌شدن به شمار می‌رود؛ از این رو، امروزه بیش از پیش شرق آسیا و شیوه حرکت این منطقه به سمت توسعه و پیشرفت مورد توجه جهانیان قرار گرفته و حجم انبوهی از تعاملات بین‌المللی در عرصه جهانی را به خود اختصاص داده است. در این میان، ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه، با تاکید بر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود به دنبال بهره‌وری از ظرفیت‌های شرق آسیا، حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت را در اولویت اهداف کلان کشور و سیاست‌خارجی خود قرار داده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، با تبیین ظرفیت‌های بین‌المللی شرق آسیا و اهمیت جایگاه این منطقه در نظام بین‌الملل با طرح این سؤال که: فرصت‌ها و تهدیدهای شرق آسیا در پیشبرد سیاست‌خارجی ایران در این منطقه کدامند؟ به بررسی این موضوع می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران در زمینه انرژی‌های فسیلی و کربدور بین‌المللی در کنار نیاز روزافزون کشورهای منطقه شرق آسیا به انرژی به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه فرصت‌های فراوانی پیش روی سیاست‌خارجی ایران در شرق آسیا به وجود آورده است؛ اما ایران برای پیگیری سیاست‌خارجی خود در شرق آسیا با موانعی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو است.

واژگان کلیدی: ایران، سیاست‌خارجی، سیاست‌خارجی ایران، شرق آسیا، سیاست نگاه به شرق.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره، قزوین، ایران.

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

بیشتر کارشناسان معتقدند که قرن بیست و یکم قرن آسیا به خصوص شرق آسیا است (یامازاکی، ۱۳۷۹: ۱۰۵). امروزه قاره آسیا از اهمیت فراوانی در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی برخوردار شده است (تقفی عامری و احدی، ۱۳۸۹: ۱۹). بر همین اساس قرن آسیایی را به چرخش قدرت تعبیر کرده‌اند و مرکز ثقل قدرت در نظام بین‌المللی را از غرب به سوی شرق در حال جابه‌جایی می‌دانند (Ikenberry, 2011: 56).

شرق آسیا به سرعت در حال تبدیل شدن به موتور محرکه رشد جهانی است. پیشرفته‌ترین و پویاترین اقتصادهای دنیا با برخورداری از بالاترین میانگین رشد جهان در منطقه شرق آسیا متمرکز هستند و وجود نهادها و سازمان‌های مختلف در این منطقه مانند سازمان شانگهای، آسه آن + ۳ و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی در کنار طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم، کانون‌های تحولات اقتصادی و امنیتی در شرق آسیا را به وجود آورده است. از این رو کشورها در سیاست‌سازی و مشارکت‌سازی بین‌المللی خود تلاش می‌کنند تا در این منطقه قوی ظاهر شوند. در چنین شرایطی نیازها به همکاری و گسترش سیاست‌خارجی هر کشوری با منطقه شرق آسیا ماهیتی اجتناب‌ناپذیر خواهد شد و ایران نیز از این موضوع مستثنا نیست.

ایران که کشوری در حال توسعه بوده، نیازمند شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی است که با تعامل و همکاری با دیگر بازیگران و بهره‌مندی از منابع سیاسی-اقتصادی بین‌المللی، می‌تواند اهداف توسعه‌ای خود را محقق سازد. گسترش روابط با سایر بازیگران در کنار تامین منافع ملی، هم‌سو با منافع جهانی در ارتقا جایگاه و کسب پرستیژ برای ایران نقش تاثیرگذاری خواهد داشت. نیل به اهداف توسعه‌ای بدون برقراری پیوند یا حداقل داشتن روابطی جدا از تنش با مناطق تولید قدرت و ثروت بین‌المللی در وضعیت کنونی (قرن ۲۱) امکان‌پذیر نیست (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۰۶)؛ بنابراین ایران با استفاده از سیاست‌خارجی خود به عنوان ابزار اصلی تعامل با جهان در پی گشایش مسیرهایی برای تعامل سازنده و موثر با کشورهای شرق آسیا در راستای پیشبرد اهداف توسعه و پیشرفت کشور است. پرسش مقاله این است که فرصت‌ها و تهدیدها در پیشبرد سیاست‌خارجی ایران در شرق آسیا کدامند؟ مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است.

مطالعات گسترده‌ای در حوزه سیاست‌خارجی ایران انجام پذیرفته است. درباره سیاست نگاه به شرق نیز در سال‌های اخیر مقالات متعددی منتشر شده است. اما کار پژوهشی زیادی با تمرکز بر نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ایران در سیاست نگاه به شرق تحقق نیافته

است. از این رو مقاله حاضر با پرداختن به این موضوع می‌تواند به تولید ادبیات در این باره کمک کرده و موجب تقویت آن شود.

۱. چارچوب مفهومی

مطالعه سیاست‌خارجی در واقع تلاش برای فهم و درک کشورها و رفتار آن‌ها در قبال کشور و تعاملات آن با محیط بیرون از مرزهای ملی تعریف می‌شود (Breuning, 2007: 5, Gerner, 1995). والتر کارلزنس سیاست‌خارجی را مجموعه‌ای از کنش‌هایی تعریف می‌کند که به صورت دستورالعمل‌های مشخصی ارائه شده و نمایندگان یک حکومت به نمایندگی از دولت متبوع خود، آن‌ها را اجرا می‌کنند. این دستورالعمل‌ها به صورت مستقیم در رابطه با اهداف، شرایط و بازیگرانی (اعم از دولتی و غیردولتی) است که در خارج از جغرافیای تحت حاکمیت دولت قرار دارند (Carlsnaes, 1987: 70). چارلز هرمان نیز سیاست‌خارجی را کنش‌های هدفمندی تعریف کرده است که از تصمیم‌های سیاسی افراد یا گروهی از افراد ناشی شده است. بر این اساس سیاست‌خارجی خود تصمیمات نیست بلکه محصول ملموس حاصل از تصمیم‌های سیاسی است (Neack, 2008: 9). ورنر لوی سیاست‌خارجی را دارای دو وجه نظری و عملی می‌داند. او تعریف حکومت از اهداف بین‌المللی دولت را همراه با یک طرح اجرایی برای اقدام در جهت تحقق اهداف سیاست‌خارجی آن دولت می‌داند و سیاست‌خارجی را منعکس کننده نیازها و خواسته‌های دولت‌ها تعریف می‌کند (Levi, 1970: 18). کوهن و هریس (Cohen and Harris, 1975: 23) نیز سیاست‌خارجی را منعکس کننده مجموعه اهداف و دستورالعمل‌هایی می‌دانند که در رابطه با محیط و کنش‌گران خارج از حوزه تحت حاکمیت دولت‌ها مبنای عمل نمایندگان دولت‌ها قرار می‌گیرند. با ارجاع به این تعاریف سیاست‌خارجی این‌گونه تعریف می‌شود: «مجموعه‌ای از اهداف، دستورالعمل‌ها یا نیات که توسط مقامات رسمی یا نهادهای حاکمیتی در رابطه با کنش‌گران یا شرایط محیطی خارج از حاکمیت دولت - ملت طراحی شده و هدف آن تاثیرگذاری بر هدف به شیوه موردنظر سیاست‌گذاران است».

۱-۱. عوامل موثر بر سیاست‌خارجی

عوامل تاثیرگذار بر سیاست‌خارجی از نظر پایداری به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از

عوامل ثابت و عوامل متغیر. عوامل ثابت عواملی است که تغییر آن‌ها به سختی انجام می‌گیرد و تاثیر آن‌ها بر سیاست خارجی به صورت درازمدت است. از جمله موقعیت ژئوپلیتیکی، پیشینه تاریخی، فرهنگ ملی و ارزش‌ها و اعتقادات. این عوامل در کوتاه‌مدت شکل نمی‌گیرد و از میان نمی‌رود و توجه یا عدم توجه به این مؤلفه‌ها و عوامل، از تاثیر آن‌ها بر عرصه سیاست خارجی چندان نمی‌کاهد (مدیر شانه چی، ۱۳۹۲: ۱۳). عوامل متغیر عواملی تغییر پذیرند که طی زمان و تحت شرایط مختلف به صورت کوتاه‌مدت و یا گذرا بر سیاست خارجی مؤثرند. به طور مثال می‌توان از ساختار نظام بین‌الملل و شرایط داخلی کشورها نام برد. ساختار نظام بین‌المللی و تعاملات سیاست‌های بین‌المللی سبب به وجود آمدن محدودیت‌ها و یا تسهیلات و امکاناتی برای سیاست خارجی کشورها می‌شود. همچنین شرایط داخلی کشورها که به طور عمده به نظام سیاسی و حکومت مربوط می‌شود و به طور مشخص سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه سیاست خارجی هر کشور را در بر می‌گیرد (ذوقی، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

با توجه به نوع سطح تحلیل برای بررسی سیاست خارجی، عوامل ثابت و عوامل متغیر موثر بر سیاست خارجی را می‌توان در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جست‌وجو کرد. از این منظر سیاست خارجی کشورها از یک سو متأثر از هنجارها و ارزش‌های حاکم بر محیط درونی حکومت و تصورات از تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها است. از سوی دیگر این سیاست متأثر از چگونگی سازگاری با محیط بیرونی است که این به معنای توانایی تطبیق با دگرگونی‌های حادث در جابه‌جایی قدرت و توزیع آن در سطح بین‌المللی است (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۱). در هر سطح عوامل مختلفی وجود دارد که بر سیاست خارجی تاثیر می‌گذارند. اما تفکیک این سطوح و بررسی جداگانه آن‌ها نمی‌تواند به شناخت دقیق و عمیق عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی منجر شود. نگرش تلفیقی و توجه به تداخل و پیوند متقابل سطوح مختلف با یکدیگر امکان شناخت نسبتاً عمیق‌تر یک سیاست خارجی را فراهم می‌سازد (جوادی ارجمند، و گنج‌خانلو، ۱۳۹۹).

در واقع نشست‌نقب را می‌توان قبل از هر چیز تابعی از روندهای پیچیده و نقش‌یابی‌ها و قدرت‌گیری سازمان یافته و هدفمند جمهوری اسلامی در هندسه ژئوپلیتیک غرب آسیا دانست (تجری، ۱۴۰۰: ۵۳).

۲-۱. عوامل موثر در تحقق اهداف سیاست خارجی

۱-۲-۱. سطح ملی

متغیرهای فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی از عوامل ملی تأثیرگذار در پیشبرد سیاست خارجی محسوب می‌شوند که موجب ارزیابی دقیق واقعیت‌های درونی و بیرونی کشور و به تبع آن تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری خارجی آن می‌شود (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۶۴۱). شخصیت و ویژگی‌های فردی رهبران و تصمیم‌گیرندگان نیز در چارچوب عوامل ملی تبیین می‌گردد. هم‌چنین ماهیت نظام سیاسی و شکل ساختار حکومت‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای را در سیاست‌گذاری هر کشوری دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۶) چرا که بین تنظیم، تشکیل و سازمان‌دهی حکومت و ماهیت رفتار سیاست‌گذاری ارتباط مستقیم وجود دارد و نتیجه آن تأمین بیشتر منافع و اهداف سیاست‌گذاری به صورت مسالمت‌آمیز با کمترین هزینه است.

۲-۲-۱. سطح منطقه‌ای

اهمیت و تأثیرگذاری منطقه بر سیاست‌گذاری کشورها همواره با تحولات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای که در آن قرار دارند و هم‌چنین پتانسیل‌های ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئوآکونومی منطقه‌ای در ارتباط نزدیک است. منطقه‌ای که کشورهای آن دارای منافع ناسازگار، رقابت و تردید نسبت به یکدیگر هستند روابط خود را بر اساس ظن و تردید تعریف می‌کنند که مرادفات آن‌ها را مدام به اختلاف و ناسازگاری نزدیک کرده و سرانجام به امنیتی شدن منطقه می‌انجامد. هرکدام از مولفه‌های بیان‌شده در منطقه می‌تواند بر برون‌دادهای سیاست‌گذاری کشورهای آن منطقه تأثیر گسترده‌ای را داشته باشد.

۳-۲-۱. سطح بین‌المللی

منظور عواملی است که نسبت به کشور مورد مطالعه، خارجی محسوب می‌گردند. از جمله ماهیت و ساختار نظام بین‌المللی. ماهیت نظام بین‌الملل که در حالت اول؛ آنارشی است که موجب تقویت و تشدید سوءظن کشورها می‌شود. در حالت دوم؛ وابستگی متقابل که علاوه بر همکاری و همگرایی موجب رقابت میان کشورها نیز می‌شود و در حالت سوم؛ از نوع گفتمان بین‌المللی که کشورها رفتار خود را متناسب با تصور خویش از نظام بین‌الملل سامان می‌دهند، بیان می‌گردد؛ اما ساختار نظام بین‌الملل که ساختاری مادی مانند نظام نوین بین‌المللی، توازن قدرت، نظام تک‌قطبی یا چندقطبی، ساختار نهادی که بر اساس تعدد و تکثر نهادهای بین‌المللی از الگوهای تعامل یا منطق

اقدام برخوردارند و ساختار غیرمادی که به صورت قواعد و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نمود می‌یابند.

در این مقاله تلاش می‌شود با نگاهی به اهداف سیاست خارجی ایران به ویژه در شرق آسیا عوامل مهم و تأثیرگذار در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر سیاست خارجی برای دستیابی به اهدافش معرفی شوند. با توجه به عوامل اساسی در تحقق اهداف سیاست خارجی کشور در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین تمرکز ویژه بر عامل جغرافیایی و اقتصادی ایران در بعد داخلی و ظرفیت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و با نگاه به ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل در بعد بین‌المللی به تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی سیاست خارجی ایران در شرق آسیا پرداخته می‌شود تا تصویر روشن‌تری از وضعیت پیش روی سیاست خارجی ایران در شرق آسیا ترسیم گردد.

جدول ۱: عوامل موثر در تحقق اهداف سیاست خارجی

سطح ملی	سطح منطقه‌ای	سطح بین‌المللی
متغیرهای فرهنگی	ژئواستراتژیک	ماهیت نظام بین‌الملل
متغیرهای تاریخی		الف - آنارشی
متغیرهای جغرافیایی	ژئوپلیتیک	ب - وابستگی متقابل
متغیرهای اقتصادی		ج - گفتمان بین‌المللی
ماهیت نظام سیاسی	ژئوکالچر	ساختار نظام بین‌الملل
شخصیت رهبران و		الف - مادی
تصمیم‌گیرندگان	ژئواکونومیک	ب - نهادی
		ج - غیرمادی

منبع: مولفان

۲. ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی شرق آسیا

رشد و توسعه موفقیت‌آمیز کشورهای شرق آسیا، الگوی توسعه این کشورها را به عنوان الگویی موفق معرفی کرد. از این رو پژوهشگران مختلف با هدف بهره‌گیری از تجربیات این کشورها، در صدد شناسایی عوامل موثر در این موفقیت برآمدند. سلامی (۱۳۷۹) با بررسی ادبیات موجود در این باره و در یک بررسی مقایسه‌ای، عوامل متعدد موثر در موفقیت کشورهای تازه صنعتی شده شرق

آسیا را از منظر صاحب نظران مختلف معرفی کرده است. اسلامی و همکاران (۱۳۹۵) نیز مدلی پنج وجهی را برای پی بردن به علل موفقیت کشورهای آسیایی ارائه کرده اند که در عوامل متعددی عامل موثر در توسعه کشورهای آسیایی شناخته شده اند. در این بررسی ها ویژگی ها و ظرفیت های مختلف کشورهای شرق آسیا که زمینه توسعه این کشورها را فراهم کرده شناسایی شده اند که می توان آن ها را به شرح زیر دسته بندی نمود.

۱-۲. ویژگی های فرهنگی شرق آسیا

شرق آسیا از گهواره های تمدن جهان به حساب می آید و مهم ترین ویژگی های فرهنگی این منطقه، داشتن مشخصه های زبان چینی، فلسفه و اصول اخلاقی مشترک و برگرفته از آیین کنفوسیوس است. با وجود تنوع فرهنگی در شرق آسیا، آیین «کنفوسیوس» در کنار بودیسم تاثیر وحدت بخشی در میان کشورهای این منطقه داشته است (Reischauer, 1974: 343). برخی از محققان کشورهای شرق آسیا را دارای دولت متمرکز می داند که تنها فلسفه اخلاقی کنفوسیوس را به اشتراک گذاشته اند (Reischauer, 1974: 346). ساموئل هانتینگتون نیز فرهنگ منطقه شرق آسیا را فرهنگی با پلورالیسم اجتماعی و سیاسی که به دنبال تقسیم قدرت در سیاست بین الملل است معرفی می کند که در نهایت با هژمونی غرب در آسیا مخالفت کرده و به دنبال ایجاد اتحاد با سایر کشورهای آسیایی است (kee sun, 2002: 32). با توجه به ویژگی های فرهنگی این منطقه است که برخی صاحب نظران از طرح موسوم به ابتکار کمربند-جاده چین تحلیل انتقادی و مبتنی بر فرهنگ ارائه کرده و معتقدند «چین با این طرح در حال بسیج پتانسیل ژئوفرنکی خود به عنوان یک کشور تمدنی برای ایجاد ارتباطات منطقه ای و قاره ای است» (Winter, 2020).

باورهای مذهبی و سنت های دیرپا در کشورهای شرق آسیا، به ویژه عناصر اخلاقی کنفوسیوسی که توسط مردم عادی نیز در زندگی روزمره شان به کار بسته می شود، در تبیین پویایی اقتصادی کشورهای توسعه یافته و صنعتی شده شرق آسیا یک متغیر مهم به شمار می آید. عناصر فرهنگی از قبیل اخلاق شغلی و کار بسیار نیرومند معطوف به پیشرفت، صرفه جویی و پس انداز، سخت کوشی، احترام به موفقیت های تحصیلی، پرهیز از منازعات آشکار در مناسبات اجتماعی، وفاداری به سلسله مراتب و اقتدار، تاکید بر نظم و هماهنگی و پابندی به آن از سوی کارگران، دهقانان، کارفرمایان اقتصادی، متصدیان خدمات عمومی و حتی سیاست گذاران، از جمله ویژگی های فرهنگی تاثیر گذار

منطقه شرق آسیا به حساب آورده می‌شود (گازرانی، ۱۳۷۳: ۸۳).

۲-۲. ویژگی‌های اقتصادی شرق آسیا

هانگ، الگوی عمومی مشترک پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورهای این منطقه مانند چین، ژاپن و کره جنوبی را چنین عنوان می‌کند: الف) وجود دوره رشد سریع، ب) تغییرات همسان در برخی شاخص‌های کلیدی، ج) توالی تاریخی و پویایی وابسته به مسیر (Hunag, 2005: 206-223). در واقع بیشتر تغییرات شرق آسیا در پایان قرن بیستم صورت گرفت. زمانی که اصلاحات عظیم در سیاست‌های اقتصادی چین و بازارگرایی آن به وجود آمد و چین را به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان تبدیل نمود. این کشور به عنوان سومین معامله‌گر جهان و بزرگ‌ترین معامله‌گر شرق آسیا شناخته می‌شود. کم و بیش تنها مورد خاص برای موفقیت اقتصادی شرق آسیا را می‌توان کره شمالی دانست که از اصلاحات بازار گریخته و هم‌چنان به سیاست روزافزون استالینیستی پیوسته است (Park, 2006: 121).

شرق آسیا در سال‌های گذشته درصد بالایی از تولید ناخالص ملی جهان را به خود اختصاص داده است و پیش‌بینی می‌شود که کشورهای این منطقه در سال‌های آینده بالای ۵۰ درصد از تولید ناخالص ملی جهان را در اختیار خود قرار دهند که همین موضوع هم‌چنین باعث شده تا این منطقه در نگاه سایر کشورهای جهان از اهمیت گسترده‌ای برخوردار گردد (Hatch, 2003: 31). به عبارتی رنسانسی اقتصادی در حال وقوع در این منطقه از نظام بین‌المللی است. رنسانسی که موجب کشف و اجرای ایده‌های جدید اقتصادی شده است که به دنبال آن توسعه، نوآوری و توجه بیشتر نظام بین‌الملل را به شرق آسیا به دنبال داشته است. این رنسانس هم اکنون به دنبال ظهور و جذب شتابان دانش از اروپا و آمریکا است تا در نهایت با تمرکز خود بر گسترش سریع‌تر ایده‌های صنعت و فناوری زندگی مدرن را بیش از گذشته ارتقا دهد (Gill and Kharas, 2007: 3).

۲-۳. ویژگی‌های سیاسی شرق آسیا

سیاست‌گذاری در آسیای شرقی از دهه ۱۹۶۰ به سوی منطقه‌گرایی حرکت کرده است. در واقع روند منطقه‌گرایی در شرق آسیا در قالب شکلی از مدیریت همکاری‌های بین‌المللی نمود پیدا کرد. زمینه همکاری‌های اقتصادی در کشورهای این منطقه فراتر از واحدهای سیاسی به ایفای نقش

پرداختند و از طریق گسترش همکاری‌های فرادولتی به همبستگی‌های سازمانی و هماهنگی اقتصادی دست یافتند. کشورهای آسیای شرقی، روند همگرایی منطقه‌ای خود را بر اساس همکاری‌های سازمان‌یافته کشورهای منطقه با شرکت‌های چندملیتی و نهادهای اقتصادی بین‌المللی قراردادند.

در عصر حاضر سیاست چندجانبه‌گرایانه کشورهای منطقه مانند چین، ژاپن و کره جنوبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در چند قالب همگرایی، حکمرانی مشترک و هدایت طرح‌ریزی شده است. مهم‌ترین اهداف این سیاست‌های چندجانبه‌گرایی در آسیای شرقی عبارت‌اند از: الف) احترام به منافع اصلی کشورهای منطقه و گنجاندن تمامی کشورها در فرآیند همکاری منطقه‌ای، ب) تلاش برای شناسایی و گسترش منافع متقابل بین همه کشورهای منطقه به منظور ارتقای همگرایی منطقه‌ای و توسعه تدریجی همکاری‌ها، ج) توجه به حضور آمریکا در منطقه و نقش آن در همکاری با کشورهای منطقه، د) تلاش برای تلفیق عنصر هدایت با همگرایی جهت ممانعت از ایفای نقش فعالانه آمریکا در برخی چارچوب‌های منطقه‌ای (Sun, 2010: 518-520). رشد، توسعه و قدرت‌یابی کشورهای آسیایی و از سوی دیگر شکل‌گیری روندها به سوی همگرایی منطقه‌ای در شرق آسیا این منطقه را به کانون توجهات کشورها حتی قدرت‌های بزرگ تبدیل کرد. چنان‌که سیاست این منطقه در دهه‌های اخیر در کانون توجه سیاست‌خارجی آمریکا قرار گرفت (بابکان، ۱۳۹۷). از این رو شرق آسیا نقش و جایگاه موثری در تحولات سیاسی بین‌المللی پیدا کرده است.

۴-۲. ویژگی‌های امنیتی شرق آسیا

ترتیبات امنیتی شرق آسیا از منظر برخی اندیشمندان غربی تاکید بر الگوی فراگیر امنیتی چندجانبه و تعامل میان قدرت‌های بزرگ دارد که تاثیر آن به سایر مناطق و جهان نیز تسری می‌یابد. موسسه شرق و غرب، موضوع عمده در منطقه شرق آسیا را بحث معمای امنیتی در قرن ۲۱ می‌داند (Suryodinigrat, 2011: 1). چندین دهه رشد اقتصادی کشورهای این منطقه به دگرگونی تدریجی در توزیع قدرت استراتژیکی در جهان منجر شده است و هم‌چنین بر نفوذ این منطقه در معادلات بین‌المللی افزوده است. راهبردهای توسعه‌گرایانه این منطقه مسیر را برای ارتقای روابط در حوزه‌های دیگری هم‌چون امنیت نیز هموار می‌نماید که به تعامل سیاسی-امنیتی چندجانبه سازنده میان آن‌ها منجر شده است (Morriison and Others, 2001: 47). این امر موجب توزیع قدرت اقتصادی به نفع منطقه آسیای شرقی شده و سبب انتقال مرکز قدرت از غرب به شرق می‌شود

(Bateman and Joshua, 2014: 12-18).

باری بوزان می‌گوید چگونگی روابط چین با منطقه آسیای شرقی و چگونگی روابط چین و آمریکا با هم، به طور عمیق نه تنها آینده آسیای شرقی، بلکه امنیت جهانی را متاثر می‌سازند. بوزان بر اساس تئوری پیچیده منطقه‌ای به رژیم امنیت پس از جنگ سرد در آسیای شرقی اشاره دارد که در آن، یک قدرت خارج از منطقه یعنی آمریکا نقش کلیدی بازی می‌کند، درحالی که چین در منطقه در نتیجه روابط با همسایگانش قدرتمند می‌شود (Cooperative Security Regime, 2005: 215-216). با وجود اختلافات، کشورها اقداماتی را در تکمیل اتحادهای دوجانبه و گفتگوهای مختلف در جهت امنیت منطقه انجام داده‌اند که در مورد چین انعقاد موافقت‌نامه‌های رفتاری در دریای چین جنوبی و یا پیمان مودت با دیگر همسایگان و دوستی با سازمان‌هایی مانند آسه آن از جمله این فعالیت‌ها هستند (Cooperative Security Regime, 2005: 213-214). تلاش‌ها برای شکل دادن رژیم امنیتی مشترک در منطقه جریان دارد اما مؤلفه‌های درون منطقه‌ای از یک سو و مؤلفه‌های فرامنطقه‌ای مانند حضور آمریکا در معادلات امنیتی منطقه شرق آسیا مانع شکل‌گیری رژیم امنیتی مشترک در این منطقه شده‌اند (فرهادی، و موسوی شفائی، ۱۳۹۹). در حال حاضر مقوله امنیت در منطقه شرق آسیا و راهکارهای دستیابی به آن مسئله محوری است و با رویکردی متناسب با سیاست‌های کشورهای این منطقه مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۵. ظرفیت‌های بین‌المللی شرق آسیا

آسیای شرقی در طول سه دهه گذشته توانسته است با شناخت و تقویت پتانسیل‌های موجود در کنار ایجاد ظرفیت‌های بهتر و بیشتر در منطقه جغرافیایی خود ضمن سرعت بخشیدن به رشد و توسعه حوزه شرق آسیا، توانایی‌هایی را برای سایر کشورها در نظام بین‌المللی ایجاد کند. تلاش برای ایجاد سازمان‌های مختلف منطقه‌ای برای همکاری شاهدهی بر این ادعاست. اقدام به همکاری‌های منطقه‌ای با توجه به مسائل اقتصادی بوده و روند این همکاری‌های منطقه‌ای در شرق آسیا به طور رسمی موجب ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای - بین‌المللی و نهادهای اقتصادی شده است.

بوزان، پمپل و فراستی در نوشته‌های خود معتقدند که پویایی منطقه‌ای و فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی شرق آسیا بیشتر تحت تاثیر نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و موافقت‌نامه‌های مشارکت اقتصادی رسمی میان دولت‌ها با زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک آسیایی موجب اهمیت و

تأثیرگذاری این نقطه از جهان در فضای بین‌المللی شده است (Hidetaka, 2008: 24). این سازمان‌ها و نهادها عبارت‌اند از: سازمان همکاری‌های شانگهای، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، استراتژی جاده ابریشم جدید، آسه آن + ۳، اجلاس سران آسیای شرقی، مجمع بوآ برای آسیا.

۳. عوامل موثر در گسترش روابط ایران با شرق آسیا

۳-۱. سطح داخلی

۳-۱-۱. سیاست نگاه به شرق ایران

سیاست نگاه به شرق رویکردی در سیاست‌خارجی است که دارای بار ژئوپلیتیکی است و حکایت از اهمیت یافتن شرق دارد. دو دلیل عمده برای اتخاذ نگاه به شرق وجود دارد: یکی این‌که ممکن است کشوری که این سیاست را اتخاذ می‌کند از اساس دارای تضادهای جدی با غرب باشد. از این منظر سیاست نگاه به شرق به معنی تضاد و تقابل با غرب است. دوم اینکه ممکن است کشورها با غرب تضاد جوهری و ماهوی نداشته باشند، اما برای برقراری تعادل و توازن با غرب، سیاست نگاه به شرق را در دستور کار قرار دهند. این مفهوم در سیاست‌خارجی کشورها مصداق بیشتری دارد (شفیعی، ۱۳۹۴: ۵). «سیاست نگاه به شرق برای ایران به معنای کمک گرفتن از دو قدرت روسیه و چین و ادغام هر سه حول یک هدف مشترک مقابله با غرب به ویژه آمریکا و آرمان‌های لیبرال غربی در صحنه بین‌المللی است. این سیاست برآمده از دو تفکر نسبت به روابط بین‌الملل در ایران است. اول گرایشی که معتقد است آینده نظام بین‌الملل در دست کشورهایمانند چین و روسیه است. دوم تفکری که معتقد است غرب با ایدئولوژی و رفتار جمهوری اسلامی در سیاست‌خارجی مشکل اساسی و لاینحلی دارد» (Heiran-Nia, 2022).

از این منظر اتخاذ سیاست نگاه به شرق بر پایه سه مؤلفه مهم اتخاذ شده است:

- الف. احساس ایران در خصوص فقدان رابطه خشونت‌ساختاری در همکاری با کشورهای شرقی،
 - ب. تمایل دولت ایران به توسعه روابطش با کشورهای شرقی بر اساس ملاحظات استراتژیک و منافع ملی،
 - ج. اجتناب ایران از غرب به علت داشتن رابطه خشونت‌ساختاری با ایران (شفیعی و صادقی، ۱۳۸۹: ۳۱۲).
- نخبگان سیاسی حامی سیاست نگاه به شرق معتقدند در عصر وابستگی متقابل پیچیده، همکاری با قدرت‌های بزرگ شرقی مانند چین موجب بهره‌مندی ایران از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالای چین برای پیشبرد برنامه‌های توسعه می‌گردد (ترابی، و همکاران، ۱۴۰۱).

۲-۱-۳. افزایش حجم سرمایه‌گذاری خارجی

ایران برای رسیدن به رشد و شکوفایی در اقتصاد و ایفای نقش موثرتر در صحنه بین‌المللی نیازمند سرمایه‌گذاری بالایی در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز و به طبع آن سایر حوزه‌های اقتصادی خود است. سهم تولید نفت و گاز ایران در جهان، می‌تواند نمایان‌گر قدرت سیاسی کشور تلقی شود. در این میان هر مقدار سهم کشور در بازار کشورهای مصرف‌کننده توسعه‌یافته و دارای نقش بین‌المللی نظیر چین و ژاپن و کره جنوبی بیشتر باشد، بی‌شک اهرم قدرت بین‌المللی آن موثرتر خواهد بود (رشنو، ۱۳۸۷: ۲۶۲). ایران با توجه به موقعیت بین‌المللی آسیای شرقی و نیاز رو به گسترش کشورهای این منطقه به واردات حامل‌های انرژی و به دنبال آن تامین انرژی موردنیاز برای پیشرفت سریع خود در کنار برخورداری از ذخایر عظیم شناخته شده انرژی در کشور به دنبال بهره‌برداری از این موقعیت ممتاز است (مهدویان و ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

بهره‌مندی به موقع از سیاست‌گذاری‌های مناسب و سنجیده برای ترغیب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیای شرقی در حوزه عرضه و تقاضای انرژی می‌تواند این نتایج را در بلندمدت برای ایران به همراه داشته باشد:

الف. کسب جایگاه شایسته در بازار انرژی،

ب. رصد و پایش مداوم روند تحولات بازار انرژی شرق آسیا و سیاست‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان،

ج. افزایش تعامل سازنده در صحنه سیاست‌خارجی که می‌تواند در تثبیت بازار مطمئن مصرف انرژی شرق آسیا، سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی و انتقال فناوری پیشرفته از سایر نقاط جهان، عاملی تثبیت‌کننده باشد،

د. کمک به جذب بازار کشورهای دیگر مصرف‌کننده انرژی،

ه. ورود تدریجی سایر سرمایه‌گذاران از نقاط مختلف جهان به صنعت نفت و گاز ایران با تبلیغ از سوی کشورهای آسیای شرقی (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۵: ۲۸۸).

۲-۳. سطح منطقه‌ای

۱-۲-۳. ایران و محیط منطقه‌ای

علاوه بر عوامل موثر در سطح داخلی، محیط منطقه‌ای نیز یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری رویکرد ایران به سمت شرق بوده است. سریع القلم (۱۳۸۴: ۳۱۸) در توصیف وضعیت ایران در منطقه، ایران را در انزوای هویتی در خاورمیانه توصیف می‌کند. این انزوای هویتی یکی از مهم‌ترین عواملی به حساب می‌آید که موجب فراتر رفتن نگاه ایران از همسایگان شده و این کشور را به سوی برقراری رابطه با کشورهای به اصطلاح شرق سوق داده است. از این منظر ایران و کشورهای عربی دارای اشتراکات فراوان فرهنگی هستند، اما تفاوت‌های هویتی عمیقی با یکدیگر دارند. تفاوت هویتی ایران با کشورهای عربی موجب شده تا کشورهای عربی ایران را بیگانه و دیگری فرض کنند. این عامل در کنار مؤلفه‌های دیگر مانع شکل‌گیری همکاری راهبردی میان دو طرف شده و باعث شده است ایران به این گروه از کشورها به عنوان بازیگرانی بنگرد که نمی‌تواند همکاری بلندمدتی با آنها داشته باشد (ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۴: ۱۴). این وضعیت در روابط با کشورهای عربی، در روابط با همسایگان شمالی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز وجود دارد. تفاوت‌های قومی و زبانی با کشورهای این منطقه، رقابت تاریخی میان ایران با ترکیه، عربستان، روسیه و آمریکا برای نفوذ در این منطقه، تفاوت‌های مذهبی و توانایی‌های محدود اقتصادی، مالی و فنی کشورهای آسیای مرکزی محورهایی هستند که امکان همکاری‌های فراگیر بین ایران و این گروه از کشورها را محدود می‌سازد. از این رو توجه ایران به این منطقه را کم‌رنگ می‌کند (اخوان کاظمی و ارغوانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

۲-۲-۳. ترانزیت انرژی

انرژی و خطوط انتقال آن، یکی از زمینه‌های فنی و کارکردی است که موجب جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد و از این طریق زمینه شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. از این طریق با فراهم شدن زمینه‌های توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، زیرساخت‌های اقتصادی منطقه‌ای تقویت می‌گردد، و نفوذ و نقش سیاسی کشورها در معادلات منطقه‌ای افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند در تقویت همکاری‌های مشترک میان همسایگان و تثبیت صلح و ثبات منطقه‌ای موثر واقع شود (Sovacool, 2009: 2358)؛ بنابراین جریان انرژی برای کشورهای شرق آسیا حیاتی است و طبیعی است که به موازات افزایش مصرف انرژی، امنیت انرژی و به تبع آن، ثبات مناطق تولیدکننده و مسیرهای انتقال انرژی برای آنان اهمیت روزافزونی می‌یابد (اطاعت، ۱۳۹۲: ۱۳۶). واقع شدن ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی باعث گردیده امنیت تولید انرژی و انتقال آن که

نیاز اساسی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی است، متاثر از ایران و نفوذ آن در منطقه باشد (نامی، ۱۳۸۸: ۳۵). منافع اقتصادی عبور خطوط لوله نفت و گاز برای ایران که در مسیر کریدور شمال - جنوب و شرق - غرب قرار گرفته، با توجه به این واقعیت که ایران مهمترین مسیر انتقال انرژی دریای خزر به خارج از منطقه است و نسبت به سایر مسیرها از مزیت نسبی برخوردار است (داداندیش، ۱۳۸۶: ۱۷)، موضوع رقابت جدی و فشرده‌ای را با دیگر کشورهای منطقه به وجود آورده است. بنابر آرایش جدید فضای جهانی و چشم‌انداز آینده‌نگر، ایران قادر است با توجه به ملاحظات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی منطقه، موقعیت خود را برای اتصال شمال - جنوب و شرق - غرب، در نظام نوین بین‌المللی بازتعریف و تثبیت کند و از این رهگذر علاوه بر خلق ظرفیت‌های جدید، برای انباشت سرمایه‌ها به عنوان موتور توسعه (Arndt, 1987: 53-54) اقدام نماید. به علاوه ایران می‌تواند با استفاده از این موقعیت ضریب امنیت ملی خود را نیز بالا ببرد (نوروزی زاده و گودرزی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲). از این رو منافع واقع شدن در مسیر ترانزیت انرژی محدود به منافع اقتصادی نیست، بلکه منافع امنیتی ایران را نیز تامین می‌کند.

۳-۲-۳. ترانزیت کالا

ایران یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت و حمل‌ونقل کالا در کریدور شرق - غرب است. همان‌طور که «سوگه» رئیس موسسه مطالعات بین‌المللی چین اظهار داشته است، «ایران و چین، مانند دو وزنه یک دمبل، دوقطبی هستند که شرق آسیا را به غرب آن متصل می‌کنند و به عنوان مسیر حیاتی در ترانزیت کالا تاثیرگذار خواهند بود» (شاه‌محمدی، ۱۳۹۵). این شرایط، موقعیت ممتازی را برای ایفای نقش برتر ایران، در تعاملات بین‌المللی و ارتباطات بین شرق و غرب عالم ایجاد کرده است و همین موضوع قابلیت ترانزیتی کشور را به صورت اساسی برجسته کرده است. استفاده از این ظرفیت‌ها در مسیر توسعه همه‌جانبه و بلندمدت ایران، یک الزام ملی است (نصیری، ۱۳۹۲: ۵۵).

ایران پل زمینی مهم ارتباط آسیا و اروپاست و فرصت‌های راهبردی فراوانی برای اقتصادهای نوظهور آسیایی مانند چین و هند ایجاد می‌کند (Sarawat, 2018). با توجه به این‌که ایران در مسیر کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب قرار گرفته و هم‌چنین ارتباط مستقیم با آب‌های آزاد دارد، از اولویت بالایی در امر ترانزیت کالا نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار است. هزینه حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال - جنوب تا ۳۰ درصد نسبت به سایر مسیرهای

ستی ارزان تر است. تعاملات ایران با منطقه شرق آسیا در بالفعل سازی این مزایای لجستیکی به ایران کمک قابل توجهی می کند (عدالتیان و معینی، ۱۳۸۶).

۴-۲-۳. فرصت های اقتصادی

مهم ترین عامل در گسترش و شکل گیری روابط ایران با منطقه شرق آسیا را می توان در حوزه اقتصادی سراغ گرفت. این امر به دو دلیل رخ داده است. یکی آن که چهره اصلی و در حال ظهور شرق آسیا، چهره های اقتصادی است و دوم آن که اقتصاد ایران هم از لحاظ توانمندی ها و هم از نظر بازارهای مصرف، به نوعی به جهان صنعتی که شرق آسیا هم بخشی از آن جهان به حساب می آید، وابسته است. (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). استفاده از ظرفیت های سازمان ها و نهادهای فعال در آسیای شرقی مانند آسه آن + ۳ و بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی می تواند فرصت های مطلوبی را برای تحول رو به رشد ایران در اقتصاد جهانی فراهم نماید (خبیر آنالین، ۱۳۹۵). به عبارتی ایران می تواند با داشتن منابع مهم استراتژیک و اقتصادی در کنار وضعیت نیروی انسانی موقعیت هایی را به وجود آورده که در صورت تداوم و استفاده بیشتر و بهتر از فرصت های به دست آمده، منافع فراوانی را متوجه کشور می نماید (یوسفی، ۱۳۸۴: ۹۷).

۵-۲-۳. رویکرد تجاری

نگاه ایران به روابط خارجی خود با کشورهای غربی و به خصوص آمریکا با رجحان امور امنیتی و نظامی طی دهه های گذشته شکل گرفته است. در چنین حالتی گرایش به کشورهای شرق آسیا می تواند به ایران این فرصت را بدهد که نخست با استفاده از ظرفیت همکاری با کشورهای این منطقه، خود برنامه ریزی برای روزهای سخت را در ذهن داشته باشد و دوم این که از پتانسیل این کشورها برای مقابله با تحریم ها و تهدیدات استفاده نماید (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۷۱). رشد اقتصادی بالای شرق آسیا از سوی منابع مستقل منطقه ای و بین المللی در دهه های آینده نیز هم چنان پیش بینی شده است و به اعتقاد ناظران بین المللی، آینده اقتصاد جهان متعلق به آسیا به ویژه شرق آن خواهد بود (حقی، ۱۳۹۰: ۴۶). بنابراین ایران بر اساس اهدافش، جهت گیری سیاست خارجی خود را در مسیر توسعه برون گرا و مبتنی بر تعامل سازنده با جهان معین کرده است. در همین راستا تجارت می تواند به یکی از مهم ترین محمل های پیوند ایران با کشورهای مختلف به ویژه در آسیا تبدیل شود و کمک

مؤثری به تحقق اهداف ملی و توسعه کشور نماید (آل اسحاق، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

۶-۲-۳. جاده ابریشم جدید

ایران به عنوان کشوری که از گذشته نقش ژئوپلیتیکی داشته است، در میان کشورهای مسیر راه ابریشم جدید توانایی ایفای نقش مثبت و سازنده در کنار توسعه ارتباطات و مناسبات در میان کشورهای آسیایی را داراست. ایران با این مزیت می‌تواند جایگاه خود را در سطوح منطقه‌ای و جهانی ارتقا بخشد. این مهم مستلزم درک واقعیت‌ها، بهره‌گیری از فرصت‌ها و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی است (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۲) که دستاوردهای مهمی برای ایران به همراه دارد. اجرای ابتکار چین موسوم به کمربند راه، موجب توسعه و استحکام زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های اقتصادی و تعاملات تجاری و فرهنگی در منطقه می‌شود و به جذب سرمایه خارجی و کمک به گسترش امنیت منطقه منجر می‌گردد و از این طریق منافع اقتصادی و استراتژیک ایران تأمین می‌شود (یزدانی و عبادی، ۱۴۰۰). خدا قلی پور (۱۳۹۶: ۴۴) در مقاله‌ای با عنوان ابتکار کمربند-راه چین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران اهم دستاوردهای این طرح را برای ایران چنین معرفی کرده است:

۱. کاهش تنهایی ژئواکونومیک کشور؛
۲. امکانی برای اتصال ایران به زنجیره ارزش اروپایی و آسیایی؛
۳. ایجاد اتصالات زیرساختی میان ایران و کشورهای کلیدی اوراسیا؛
۴. کاهش شکاف در حوزه‌های زیرساختی منطقه؛
۵. تقویت زیرساخت‌ها بر مبنای امکان اتصال کشور به دو زنجیره ارزش آسیایی و اروپایی؛
۶. کاهش تحریم پذیری کشور؛
۷. تطابق با حوزه‌های مزیت ایران (حمل و نقل، انرژی، زیرساخت‌ها، ارتباطات، گردشگری)؛
۸. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛
۹. تحقق امنیت جمعی و موسع؛
۱۰. تعریف کشور در یک مجموعه بین‌المللی و کاهش هراس از قدرت‌یابی کشور؛
۱۱. کمک به توسعه مناطق و کشورهای پیرامون ایران و کاهش زمینه‌های بی‌ثباتی در آن کشورها؛
۱۲. کمک به خیزش آسیا و شکل‌گیری نظام چندقطبی.

محمدی و صالحی (۱۴۰۱) معتقدند طرح جاده ابریشم جدید، با ایجاد وابستگی متقابل در منطقه به تامین منافع متقابل و جمعی کشورهای منطقه منتهی خواهد شد. زیرا «همکاری با ایران فرصت راهبردی فراوانی در اختیار اقتصادهای نوظهور آسیا مانند چین و هند قرار می‌دهد» (Saraswat, 2018).

۳-۳. سطح بین‌المللی

۳-۳-۱. ایران و نظم بین‌المللی

یکی از مؤلفه‌های مهم و موثر در فاصله گرفتن ایران از غرب و توجه به گسترش روابط با کشورهای شرق در دوران بعد از انقلاب، دیدگاه ایران درباره ماهیت و ساختار نظام بین‌المللی است. به همان نسبتی که در این باره ایران با غرب اختلاف نظر دارد با کشورهای شرق در مورد ماهیت و ترتیبات نظم بین‌المللی دارای اشتراک نظر نسبی است. بعد از انقلاب اسلامی، ایران درباره ماهیت و ساختار بین‌المللی رویکرد تجدید نظر طلبانه ای را در پیش گرفت. بعد از فروپاشی شوروی و تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل نیز در حالیکه آمریکا تلاش برای شکل دان نظم نوین بین‌المللی را آغاز کرد، ایران به تبع اصول و ارزش‌های انقلابی خود نمی‌توانست پذیرای نظم و ترتیباتی در نظام بین‌المللی باشد که از سوی آمریکا برای ایجاد آن تلاش می‌شد. در چالش‌های ناشی از این تفاوت رویکرد در حالیکه رقبای ایران در ائتلافی قدرتمند در کنار هم عمل می‌کردند، ایران را ناگزیر ساخت تا در مسیر همکاری و تعامل با کشورهای حرکت کند که از شکل‌گیری نظم بین‌المللی مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا ناراضی بودند. آرمان مشترک مبنی بر شکل‌گیری ترتیبات بین‌المللی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و با همکاری تمام کشورها و نهادهای بین‌المللی، باعث شد ایران هر چه بیشتر به سمت همکاری با شرق متمایل شود (Hunter, 2010: 117).

۳-۳-۲. کاهش فشارهای بین‌المللی

یکی از عواملی که ایران را به گسترش روابط با شرق آسیا ترغیب کرده، کاهش فشارهای بین‌المللی علیه این کشور است. ایران به خاطر روابط نامساعد قدرت‌های بزرگ با این کشور طی سه دهه اخیر به محیط بین‌الملل و سیاست قدرت‌های بزرگ بدبین شده است، از این رو همیشه به دنبال سازوکارهایی برای کاهش آثار منفی روابط با قدرت‌های بزرگ و امکان قربانی شدن منافع ملی ایران در برابر آن‌ها بوده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی به طور طبیعی گزینه پیش روی

ایران همین گسترش مناسبات با قدرت های شرق آسیا است، منطقه‌ای که با سرعت بالای توسعه و پیشرفت خود از توانایی بالایی برخوردار است تا بتواند ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی ایران موقعیت بین‌المللی آن را در صحنه بین‌المللی ارتقا بخشد (تقفی عامری و احدی، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

۳-۳-۳. ایجاد جهان چندقطبی

یکی از اهداف سیاست‌خارجی ایران، چندجانبه‌گرایی و ایجاد جهان چندقطبی است. ایران به‌خوبی آگاه است تنها راه مقابله با یکه‌تازی آمریکا و کاهش فشارهای بین‌المللی علیه خود حضور در مناطق مهم و استراتژیک جهان است. از این جهت ایران با گرایش بیشتر به منطقه آسیای شرقی و توجه به فلسفه وجودی اقتصادی‌اش تلاش می‌کند تا بر اساس نظریه‌پردازان نو کارکردگرایی که معتقدند، فرآیند همکاری در یک حوزه، به حوزه‌های دیگر سرایت می‌کند، خود را از این قاعده مستثنا نگرداند. از این رو گرایش به کشورهای آسیای شرقی و حوزه پیرامونی آن می‌تواند به ایران این مجال را بدهد تا بتواند با ایجاد قطبی از کشورهای هم‌سو با خود که به دنبال کم کردن حضور آمریکا در شرق آسیا هستند به کم‌رنگ کردن هژمونی آمریکا در این منطقه امیدوار باشد که خود به عنوان آغازی برای خارج کردن نظام بین‌الملل از تک‌قطبی قلمداد می‌شود (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰: ۵۹). همکاری ایران با قدرت‌های آسیایی امکان ظهور یک بلوک قدرتمند آسیایی را افزایش می‌دهد. «بلوک قدرتی که می‌تواند تهدیدی جدی برای نظم جهانی لیبرال تحت رهبری ایالات متحده آمریکا باشد» (Pahlavi, 2022).

۳-۳-۴. قدرت‌یابی شرق در نظام بین‌الملل

در سده بیست و یکم جهان شاهد تغییرات ژئوپلیتیکی بنیادی است. یکی از ویژگی‌های این تغییرات قدرت‌یابی بازیگران متنوع منطقه‌ای و بین‌المللی است که در حال رقم زدن یک جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌المللی است. در این جابه‌جایی چرخش قدرت از غرب به شرق و به صورت ویژه‌ای از اروپا به آسیا و منطقه آسیای شرقی است. قدرت‌یابی کشورهای در حال توسعه بیش از هر منطقه‌ای در آسیا و به ویژه منطقه آسیای شرقی و کشوهای چین بروز و ظهور یافته است. از این جهت است که این مباحث تحت عنوان «خیزش آسیا» بیشتر ارایه می‌شوند زیرا عمده بازیگران روبه‌پیشرفت نظام بین‌الملل در آسیا و شرق آن قرار گرفته‌اند و تحولات این منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای

در آینده ثروت و قدرت جهانی ایفا می‌کند (-13: National Intelligence Council, 2008). در نتیجه این چرخش قدرت، شرق آسیا جایگاه متفاوتی پیدا کرده و به عنوان مرکز جدید قدرت و نفوذ اقتصادی، سیاسی، و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته (Casarini, 2008: 62) و نقش حوزه شرق آسیا با حضور کشورهای هم‌چون چین، ژاپن و کره جنوبی بسیار پررنگ‌تر و تاثیرگذار تر از گذشته شده است.

نتیجه خیزش آسیای شرقی، سوق یافتن شتابناک موازنه قدرت به سوی نظام چندقطبی است. با دقت در تاریخ سیاست بین‌الملل، می‌توان برخورداری از اقتصاد بزرگ و پیشرفته در مقیاس جهانی را شرط لازم برای تبدیل شدن یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها به بازیگران تاثیرگذار بر موازنه قدرت دانست. برخورداری از اقتصاد بزرگ و پیشرفته، از آن‌رو ویژگی‌ای اساسی است که موجبات تولید و انباشت ثروت در مقیاسی گسترده را پدید می‌آورد؛ ثروتی که در مواقع لازم قابل ارتقا موقعیت در صحنه بین‌المللی است (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). پیامد این روند قدرت برای ایران می‌تواند به صورت «گسترش آزادی عمل» بروز یابد. آزادی عمل به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در تبیین سیاست خارجی ایران، از سوی صاحب‌نظرانی که این مفهوم را به کار گرفته‌اند، چنین تعریف شده است: بهینه‌سازی کنش در نظام بین‌المللی. از این منظر، سیاست خارجی چیزی جز تلاش برای بهینه‌سازی آزادی عمل برای دستیابی به اهداف خارجی نیست (رمضانی، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰). ایران در چارچوب سیاست نگاه به شرق می‌تواند با بهینه‌سازی کنش خود در نظام بین‌الملل، در چارچوب نظام‌های منطقه‌ای قدرتمند در حال ظهور جایگاه خود را در نظام موازنه قدرت جهانی و در مسیر حرکت به سوی نظام بین‌المللی چندقطبی ارتقا دهد و استحکام ببخشد (سازمند، ۱۳۹۹، صص ۳۹-۴۲).

۳-۳-۵. ادغام اقتصادی شرق در جهان

شرق آسیا به طور موفقیت‌آمیزی با اقتصاد جهانی در حال یکپارچه شدن است. سهم صادرات جهانی آن در حال توسعه و افزایش است. تجارت بین کشورهای این منطقه و سایر نقاط جهان در حال رشد است و کشورهای این منطقه در حال ورود به زنجیره عرضه جهانی تولید کالا و خدمات هستند. شرق آسیا هم‌چنین با ورود به بازار سرمایه جهانی، موجب گردیده تا درصد بالای سهام شرکت‌های خصوصی به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این منطقه وارد گردد (مهری پرگو، ۱۳۸۶: ۲۰۳). طرح جاده ابریشم جدید این فرآیند را تقویت می‌کند. این طرح «راهبردی است

که می‌کوشد سه قاره آسیا، آفریقا، و اروپا را از طریق شبکه راه‌های زمینی و دریایی، با هدف تقویت یکپارچگی منطقه‌ای، افزایش تجارت، و کمک به رشد اقتصادی، به یکدیگر متصل سازد. این طرح پنج اولویت اصلی دارد که عبارتند از: هماهنگی سیاست؛ اتصال زیرساخت‌ها؛ رفع موانع تجاری؛ ادغام مالی؛ و ارتباط ملت‌ها» (European Bank for Reconstruction & Development, 2023).

ایران از این توانایی برخوردار است که با همکاری نهادهای شرق آسیا به عنوان مجموعه‌های مهم جهان در حال توسعه، جایگاه مهمی را در گسترش ثبات اقتصادی کشور کسب کرده و در کنار آن به ایفای نقش موثرتر و بیشتری هم‌چون نفوذ در اقتصاد جهانی بپردازد (سلیمی بروجنی، ۱۳۹۵). هم‌چنین در تعامل فعال با اقتصاد جهانی می‌تواند در دو حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری به کسب منافع قابل‌انتظار نائل گردد، اما این منافع حاصل نمی‌شود مگر اینکه اقتصاد و تولید داخلی تا حدی تقویت‌شده و قادر به رقابت با رقبای منطقه‌ای و جهانی باشد. اکنون اقتصاد جهانی بسیار رقابتی است و رقابت در شرایط فعلی می‌تواند پایه پیشرفت سریعی را که ایران بدان نیاز دارد فراهم نماید و نمی‌توان بدون ایجاد و قرار گرفتن در شرایط اقتصادی جهانی توان رقابتی بالایی در اقتصاد و به دنبال آن توسعه و پیشرفت کشور را حاصل کرد (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). «سیاست نگاه به شرق این امکان را به ایران می‌دهد که از ادغام اقتصادی در اقتصاد جهانی، در عین اجتناب از وابستگی به غرب بهره‌مند گردد» (Saraswat, 2018).

۴. موانع موجود در گسترش روابط ایران با شرق آسیا

۴-۱. سطح داخلی

یکی از موانع پیش روی سیاست‌خارجی ایران در گسترش روابط با شرق آسیا در داخل کشور، رویکرد گروهی از نخبگان است که بیشتر به تعامل با غرب گرایش دارند و تعامل با شرق آسیا را مناسب نمی‌دانند. بررسی شبکه مضامین نگاه ایرانی درباره گسترش همکاری با چین و انعقاد قرارداد ۲۵ ساله با این کشور نشان می‌دهد که گروهی از نخبگان این همکاری را موجب وابستگی ایران به قدرت‌های شرقی می‌دانند (عزیزی، حاجی یوسفی، ۱۴۰۱). این دسته بر این باورند که با توجه به عوامل مختلف داخلی، منطقه‌ای، و ژئوپلیتیک ایران از یک سو، و ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های غرب برای همکاری با ایران از سوی دیگر، ایران و کشورهای غربی متحدان طبیعی برای همکاری با یکدیگر به حساب می‌آیند که این اتحاد طبیعی می‌تواند مبنای همکاری‌های استراتژیک باشد. از این

رو تعامل با شرق آسیا نادیده گرفتن این اتحاد طبیعی و ظرفیت‌های بالقوه آن محسوب می‌شود که می‌تواند ضعف‌های زیانباری به همراه داشته باشد. از نظر این گروه روابط با کشورهای غیر غربی تنها می‌تواند به صورت تابعی از رویکرد اصلی سیاست‌خارجی ایران به غرب مورد توجه قرار گیرد، زیرا رابطه با شرق آسیا جدا از رابطه با غرب فاقد ظرفیت و پویایی لازم برای تبدیل شدن به یک رابطه معنادار و راهبردی است.

از دیدگاه این گروه از نخبگان، کشورهای شرقی و به طور اخص کشورهای منطقه خاورمیانه تحت تاثیر مستقیم سیاست‌های کشورهای غربی قرار دارند و لذا معتقدند که ریشه اصلی اصطکاک‌ها و مشکلات منطقه‌ای ایران در قاعده‌مند نبودن روابط ایران با کشورهای غربی است، زیرا منبع اصلی قدرت در سطح جهانی نزد اروپا و آمریکا است، و لذا بسیاری از مشکلات موجود ایران ناشی از فقدان روابط قاعده‌مند با این گروه از کشورهاست (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۳). بر اساس این رویکرد ایران به شدت به بخش انرژی و درآمدهای حاصل از آن وابستگی دارد و در این زمینه بیش از کشورهای شرق، سیاست‌های دولت‌های غربی تعیین‌کننده است. زیرا بازار اصلی مصرف و فناوری استخراج انرژی در اختیار غرب قرار دارد و از سوی دیگر اقتصاد ایران با اقتصاد شرق چندین مکمل یکدیگر و متصل به هم نیستند. لذا ایران نمی‌تواند به کشورهای شرق آسیا نیز وابستگی جدی داشته باشد. درحالی‌که سهم عمده‌ای از واردات ایران از کانال کشورهای غربی تامین می‌شود (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۶۱).

۲-۴. سطح منطقه‌ای

شرق آسیا با پتانسیل‌های انسانی و مادی فراوان، زمینه ظهور قدرت‌های بزرگ را در این منطقه فراهم می‌سازد. از این رو آمریکا می‌کوشد حضور خود را در این منطقه گسترده‌تر سازد تا ضمن تامین منافع خود مانع ظهور قدرت‌های جدید و تشکیل بلوک متخاصم علیه آمریکا شود. کاخ سفید در سند امنیت ملی آمریکا که در مارس ۲۰۰۶ منتشر شد، تاکید دارد که آمریکا منافع گسترده‌ای با آسیای شرقی دارد. به موجب این سند ثبات و رفاه این منطقه به تعامل گسترده آن با آمریکا بستگی دارد، از این رو حفظ مشارکت این کشور در این منطقه به وجود حالت دفاعی برای حمایت از همگرایی اقتصادی از طریق گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری و ارتقای دموکراسی و حقوق بشر نیاز دارد (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۲۲۸). آمریکا معتقد است که اتحاد با ژاپن و کره جنوبی در کنار

مشارکت امنیتی با آنها، مبنای حضور نظامی‌اش در آسیای شرقی را فراهم می‌کند و از طرفی هم خود را به عنوان یک قدرت خارجی تامین‌کننده امنیت سخت برای این منطقه معرفی می‌کند که به ایفای نقشی مثبت پرداخته است. واشنگتن نگران است که پیشرفت منطقه شرق آسیا در جهت حرکت کند که راه را از نظر سیاسی، اقتصادی یا امنیتی در منطقه برای آمریکا ببندد. ایالات متحده به شدت معتقد است که توسعه شتابان آسیای شرقی نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی را در تاثیرگذاری بر تحولات این نقطه از جهان کم‌اهمیت‌تر و کم‌اثرتر می‌نماید (یانگ، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۷).

۳-۴. سطح بین‌المللی

واقع شدن ایران در قلب انرژی جهان و موقعیت استراتژیکی که در آن قرار دارد باعث انطباق دو موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک با هم برای ایران گردیده است. از نظر آمریکا انرژی مهم‌ترین متغیر ژئوپلیتیکی ایران است که می‌تواند به وسیله آن سایر اهداف خود را پی‌گیری نماید؛ و هم‌اکنون ایران به دنبال رسیدن به اهداف سیاسی خود با استفاده از اهرم انرژی است بنابراین آمریکا در صدد پایین آوردن منزلت ژئوپلیتیک انرژی ایران است. به همین منظور، تحریم‌های اقتصادی و ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران و همچنین ممانعت عبور خط لوله نفت و گاز از ایران پیوسته در دستور کار ایالات متحده بوده است (بهجت، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

آمریکا با تقویت رقیبان ایران در بخش حمل‌ونقل در تلاش است توان رقابتی ایران را در این زمینه محدود کند تا این کشور نتواند به عنوان پل اتصال شرق به غرب و به عنوان پیونددهنده دو سوی آسیا به ایفای نقش پردازد و از مزایای ترانزیتی آن منتفع شود (Fandy, 2005: 3). ایالات متحده در چارچوب «سیاست همه‌چیز، بدون ایران»، تمامی تلاش خود را به کار می‌برد تا با حذف «برتری‌های کم‌نظیر ایران» به عنوان «پلی به اقتصاد جهانی برای این منطقه محصور در خشکی» و «طبیعی‌ترین مسیر ترانزیت و خطوط لوله آسیای مرکزی» (هرزیک، ۱۳۸۲: ۲۴۶)، کشورهای دیگر را جایگزین ایران کند و به مهار اقتصاد ایران پردازد. در واقع، با مجموع اقدامات خود در پاره‌ای از کشورهای در امتداد مسیر جاده ابریشم و محافل و بنگاه‌های غربی در صدد است تا رقابتی فشرده در جهت تضعیف موقعیت ایران به وجود آورد که از آن به «جنگ کریدورها» تعبیر می‌شود (علی‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸)، (Hassass, 1999: 89).

از طرفی آمریکا با تزریق رقابت در منطقه به دنبال عدم بهره‌برداری ایران از موقعیت ژئوپلیتیک و

ژئواکونومیکی خویش است. عناصر و عوامل مرتبط با این موضوع عبارت‌اند از:

۱. وجود تضادهای قومی، نژادی، سیاسی و فرهنگی و احتمال تبدیل این نزاع‌ها به جنگ واقعی.
۲. بن‌بست بودن کشورهای منطقه و تاثیر بلا واسطه عدم دسترسی کشورها به آب‌های آزاد.
۳. وجود سیاست‌های مهار گرایانه علیه ایران و بالا رفتن هزینه بهره‌برداری از منابع معدنی منطقه.
۴. فقدان دموکراسی و وجود فساد اداری و سیاسی و احتمال تغییر سریع در سطوح بالادستی در منطقه (سوری، ۱۳۹۱: ۶۷).

جدول ۲: عوامل و موانع گسترش روابط ایران با شرق آسیا

سطوح	عوامل	موانع
داخلی	۱- حمایت بخشی از نخبگان سیاسی از سیاست نگاه به شرق ۲- سیاست جذب سرمایه خارجی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری خارجی ۳- نیازهای داخلی و تلاش برای رفع آنها در تعامل با شرق	فقدان اجماع داخلی (دیدگاه نخبگان متمایل به تعامل با غرب به جای شرق)
منطقه‌ای	۱- فشارهای منطقه‌ای و تلاش برای غلبه بر آنها از طریق همکاری با شرق ۲- موقعیت مناسب برای ترانزیت کالا و انرژی ۳- فرصت‌های اقتصادی و تجاری شرق آسیا ۴- تلاش و همراهی برای ایجاد جاده ابریشم جدید	حضور ایالات متحده آمریکا
بین‌المللی	۱- تأثیرگذاری بر نظم بین‌المللی با همکاری کشورهای شرق ۲- کاهش فشارهای بین‌المللی ۳- رویکرد ایجاد جهان چندقطبی ۴- ادغام اقتصادی شرق در نظام بین‌الملل ۵- قدرت یابی شرق در نظام بین‌الملل	تهدید و تحریم همه‌جانبه ایران

منبع: مولفان

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یکی از اهداف مهم کشورها در عرصه سیاست خارجی برقراری پیوندهای معقول با کانون‌های قدرت و ثروت بین‌المللی است. پیوندهایی که کشورها از رهگذر آنها می‌توانند به جذب منابع

بین‌المللی لازم برای توسعه و ارتقای جایگاه خود در عرصه بین‌المللی بپردازند. سیاست ایران در توجه به آسیای شرقی را می‌توان با این منطق نگرینست. سیاستی که با تلاش در جهت تقویت پیوندها با کشورهای این منطقه به خصوص بازیگران مهم در پی بهره‌گیری از این کانون قدرت و ثروت برای توسعه و پیشرفت، بهبود وضعیت رفاهی و ارتقای جایگاه بین‌المللی خود است.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد ایران در گسترش روابط خود با شرق آسیا از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مطلوبی برای پیشبرد سیاست خارجی خود برخوردار است. با توجه به وضعیت وابستگی متقابل پیچیده در جهان ایران با پیوستن به شبکه همکاری با کشورهای شرقی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالای کشوری مانند چین را برای تقویت روند توسعه خود به کار بگیرد (ترابی، و همکاران، ۱۴۰۱). ایران به عنوان یکی از بازیگران قدرتمند آسیایی می‌تواند با بهره‌گیری از این راهبرد و فرصت‌ها و ظرفیت‌های حاصل از آن برای افزایش توانایی خود جهت ایفای نقش فعال در نهادها و سازمان‌های آسیایی و در آمیختن با فرآیندهای اقتصادی شرق آسیا اقدام کند. در جهان امروز پیگیری برنامه‌های توسعه به صورت انفرادی و منفک از ترتیبات و همکاری‌های دسته‌جمعی نتیجه‌ای به همراه ندارد. از این رو افزایش تعامل سازنده از طریق عضویت ایران در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای شرق آسیا راهبردی موثر برای رفع نیازها، پیشبرد برنامه‌های توسعه و اعتلای موقعیت ایران در فضای جهانی به شمار می‌رود. نتایج حاصل از این راهبرد می‌تواند زمینه حضور و تعامل ایران را در نقاط مختلف جهان فراهم آورده و اعتلای ایران را رقم بزند. از سوی دیگر در شرایطی که غرب ایران را تحت فشار قرارداده و با انواع تحریم‌ها سعی در محدود کردن این کشور دارد، سیاست نگاه به شرق و همکاری با قدرت‌های آسیایی راهی برای مقابله با خصومت‌ها و فشارها دولت‌های غربی است (Abbas, 2023).

محوریت ایران در مبادلات ترانزیتی و خطوط لوله نفت و گاز جهانی - منطقه‌ای به اعتبار سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مرتبط، علاوه بر پویایی در اقتصاد ملی با پیوند منافع ملت‌ها در عرصه‌های مکمل و شکل‌دهی به وابستگی متقابل جهانی، برای نقش‌آفرینی کشور در مناسبات و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی ظرفیت‌سازی کرده و موقعیت کشور را تقویت خواهد کرد. طرح جاده ابریشم جدید نیز در همین راستا می‌تواند کمک قابل توجهی به ایران کند. ابتکار کمربند-راه چین و همکاری ایران با آن می‌تواند به وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورها منجر شود و منافع متقابل آن‌ها را تامین کند (محمدی و صالحی، ۱۴۰۱). این طرح با گسترش و

تقویت زیرساخت‌های همکاری در منطقه و کمک به پیشبرد توسعه و تامین امنیت دسته جمعی در منطقه، زمینه تامین منافع ایران را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم می‌سازد و می‌تواند در آینده نیز به صورت چشمگیری منافع ایران را ارتقا بخشد. از این روست که سیاست نگاه به شرق پایگاه قدرتمندی در بین نخبگان ایران برای راهبرداری و سیاست‌گذاری پیدا کرده است.

اما با وجود فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که سیاست نگاه به شرق برای ایران به همراه دارد، پی‌گیری و عملیاتی کردن آن با چالش‌ها و موانعی روبه‌روست. فقدان اجماع داخلی و مخالفت بخشی از نخبگان با این سیاست مهمترین مانع در سطح داخلی است. عزیزی و حاجی یوسفی (۱۴۰۱) با بررسی شبکه مضامین نگاه ایرانی درباره قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران درباره این قرارداد دو دیدگاه متعارض و متضاد وجود دارد. یکی آن را موجب وابستگی متقابل و تامین منافع مشترک می‌داند و دیگری آن را قراردادی می‌داند که به وابستگی ایران به چین منجر می‌شود. وجود این مانع، ضمن آن‌که حمایت داخلی از این سیاست را تضعیف می‌کند، تداوم و استمرار آن را نیز با تردید روبه‌رو می‌سازد. زیرا با وجود فقدان اجماع داخلی، در صورت جابه‌جایی قدرت بین نخبگان و به قدرت رسیدن نخبگان مخالف سیاست نگاه به شرق تغییر آن دور از ذهن نیست.

در سطح منطقه‌ای مهم‌ترین مانع پیش روی تعمیق و گسترش سیاست‌خارجی ایران در منطقه شرق آسیا، حضور ایالات متحده در این منطقه و تلاش‌های گسترده برای جلوگیری از حفظ، گسترش و تداوم روابط ایران در حوزه‌های مختلف با کشورهای این منطقه است. در سطح بین‌المللی نیز فشار جهت اعمال تحریم‌های اقتصادی به همراه قانون تحریم سرمایه‌گذاری در صنایع ایران در جهت محدود کردن ایران و قدرت‌های رقیب آمریکا در بهره‌گیری درازمدت از صنعت نفت و پتروشیمی ایران از جمله تلاش‌های آمریکا برای انزوای ایران و به تبع آن کاهش تعاملات ایران با حوزه آسیای شرقی به حساب می‌آید. آمریکا هم‌زمان، کاهش قدرت ژئواکونومیک ایران را در کنار پایین آوردن منزلت ژئواستراتژیکش، دنبال می‌نماید. کاهش تولید و صادرات نفت و گاز ایران در بعد ژئواکونومیک باعث کاهش قدرت اقتصادی ایران و در سطح ژئوپلیتیک باعث کاهش قدرت ملی می‌گردد. در این وضعیت اقتصاد دولتی‌تر، اشتغال محدودتر، خروج سرمایه فزون‌تر و موقعیت اقتصادی ایران در منطقه و جهان ضعیف‌تر خواهد شد. اختلال در ساخت اقتصادی ایران، پیامدهای امنیتی گسترده‌ای در پی خواهد داشت که می‌تواند به بروز اختلالات در عرصه سیاسی - اجتماعی

داخلی یا اقدام خارجی ضد امنیت ملی منجر شود. ایران برای گریز از تحریم‌ها و کاهش فشار غرب، بر روابط با شرق آسیا تاکید دارد، اما تلاش آمریکا برای محدودسازی روابط ایران در آسیا و نظام بین‌المللی با تبعاتی که ایجاد می‌کند می‌تواند سیاست نگاه به شرق را با مانع روبه‌رو و کم اثر سازد.

نتیجه‌گیری

عوامل متعددی به عنوان پیشران، سیاست نگاه به شرق ایران را به جلو می‌برند. این سیاست می‌تواند ظرفیت‌ها و فرصت‌های زیادی برای ایران خلق کنند. این عوامل نقاط قوت و مزیت‌های این سیاست به حساب می‌آیند که ایران با بهره‌برداری از آنها می‌تواند نیازهای داخلی خود را تامین کند، از فشارهای بین‌المللی بر خود بکاهد و راهی برای ایفای نقش در عرصه بین‌المللی و ارتقا جایگاه خود در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی بیابد. اما در عین حال این سیاست با چالش‌های سختی روبه‌روست که مانع می‌شوند ایران به نتایجی که انتظار دارد دست یابد. بنابر این طراحی راهبرد به گونه‌ای که بتوان از موانع و چالش‌ها عبور، و از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها استفاده کرد ضروری است.

چالش‌های پیش روی سیاست نگاه به شرق را در سطوح مختلف می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی موانع پیش رو و دیگری ضعف‌های و ضعف‌های درونی آن. مهمترین موانع پیش رو در سطح داخلی مخالفت گروهی از نخبگان سیاسی و در سطح بین‌المللی مانع تراشی قدرت‌های بزرگ ایران است. در سطح داخلی به همان نسبتی که طرفداران سیاست نگاه به شرق آن را با قوت و قدرت به پیش ببرند، مخالفان می‌کوشند به انحاء مختلف مانع آن شوند. مخالفان به ویژه با تصویرسازی منفی از گسترش روابط با شرق آسیا می‌کوشند افکار عمومی را با خود همراه سازند و با اعمال فشار بر دولت‌ها سیاست نگاه به شرق را تعدیل و محدود سازند. در سطح بین‌المللی نیز قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا با ابزار تحریم و اعمال فشار در صدد مهار ایران است. از این رو در حالی که ایران با سیاست نگاه به شرق می‌کوشد راهی برای غلبه بر فشارها و تحریم‌های غرب باز کند، آمریکا و قدرت‌های متحدش نیز در تلاش هستند این راه جدید را برای ایران مسدود سازند. به ویژه با اعمال تحریم ضد دولت‌ها و شرکت‌های طرف معامله با ایران، می‌کوشد با پرهزینه کردن رابطه با ایران بازیگران شرق آسیا از گسترش روابط با ایران منصرف سازد. راه غلبه بر این موانع استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالفعل و بالقوه‌ای است که در ایران و در تعامل با کشورهای شرق آسیا وجود دارد. از این رو ضروری است در راهبردپردازی برای پیشبرد سیاست نگاه به شرق، از

ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در ایران و منطقه بهره‌برداری شود و مهمتر از آن با اتکا به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، در جهت تامین اهداف و منافع ملی ظرفیت سازی شود و با خلق فرصت‌های جدید و بهره‌برداری از آن‌ها تلاش‌ها برای بی اثر سازی سیاست نگاه به شرق خستی گردد.

مهمترین ضعف و چالش سیاست نگاه به شرق نیز یکی وجود تفکر و دیدگاه مخالف با این سیاست و دیگری منطق انتخاب آن است. مخالفت‌های نخبگان داخلی با سیاست نگاه به شرق نتیجه دیدگاهی است که رابطه با شرق را راهبردی و در بلندمدت چندان برای ایران راهگشا نمی‌داند. این دیدگاه، ضمن آن که اجماع بر سر این سیاست را مخدوش می‌کند و حمایت داخلی از این سیاست را تضعیف می‌کند، تداوم و استمرار راهبرد مبتنی بر رویکرد نگاه به شرق را با توجه به امکان جابه‌جایی نخبگان سیاسی و قدرت در ایران با تردید روبه‌رو می‌سازد. از سوی دیگر انتخاب سیاست نگاه به شرق نه یک انتخاب کاملاً ارادی بلکه انتخابی ناشی از الزامات محیطی بوده است. ایران برای گریز از پیامدهای منفی تحریم‌ها و فشارهای غربی گزینه‌ای بهتر از نگاه به شرق نیافته و لذا به سوی آن گرایش پیدا کرده است. از این رو در صورت تغییر سیاست اروپا و آمریکا و کاهش فشارهای غرب سیاست نگاه به شرق اهمیت و جایگاه خود را از دست خواهد داد.

راهبردهای کلان و ملی در بلندمدت به نتیجه می‌رسند. بنابر این برای به ثمر نشستن نیاز به استمرار دارند. با وجود فقدان اجماع داخلی و با احتمال جابه‌جایی قدرت بین نخبگان از یک سو و احتمال وقوع چرخش در سیاست دولت‌های غربی و کاهش فشارها بر ایران از سوی دیگر کم شدن اهمیت یا حتی توقف سیاست نگاه به شرق در آینده دور از ذهن نیست. امری که می‌تواند این سیاست را با چالشی اساسی روبه‌رو سازد. ایران برای غلبه بر موانع پیش رو و غالب آمدن بر چالش‌های اساسی که در جهان پیچیده، دائماً در حال تحول و با عدم قطعیت^۳ بالا، برای سیاست نگاه به شرق متصور است، به رویکردی آینده نگر و راهبرد پابرجا^۴ نیاز دارد. برای برطرف کردن موانع موجود می‌توان از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود سود جست. اما در جهان در حال تحول نمی‌توان با رویکرد معطوف به وضع موجود بر مشکلات غلبه کرد. با این رویکرد مشکلی اگر حل می‌شود، با دگرگونی‌هایی که صورت می‌گیرد مشکلات و مسائل جدید بروز می‌کند. اما با رویکرد آینده نگر و

3. Uncertainty

4. Robust Strategy

طراحی راهبردهای پابرجا، می‌توان هم مسائل و چالش‌های در حال ظهور را شناخت و هم از پیش برای مقابله با آن‌ها ظرفیت‌سازی و خلق فرصت کرد. راهبرد پابرجا این ظرفیت و امکان را به دست می‌دهد که بتوان با تغییر شرایط، سیاست خود را با کمترین زیان با تغییرات سازگار و با دگرگونی‌های جدید منطبق ساخت. با راهبرد پابرجا می‌توان در هر شرایطی با کمترین آسیب منافع مورد نظر را به دست آورد. در این صورت ایجاد تغییر بر اثر جابه‌جایی قدرت در داخل و یا ایجاد چرخش در سیاست دولت‌ها، از جمله دولت‌های غربی، نمی‌تواند راهبرد نگاه به شرق را بی‌اعتبار و یا متوقف سازد و هزینه سنگینی را تحمیل نماید. بلکه می‌توان آن را با بازتعریف اهداف و منافع متناسب با شرایط جدید و نوظهور و هم چنین اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ها در شرایط تغییر یافته تا رسیدن به نتایج مورد نظر ادامه داد.

منابع

۱. آل اسحاق، یحیی. (۱۳۹۰). *راهنمای راهبرد تجاری منطقه‌ای با رویکرد توسعه و امنیت جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲. آدمی، علی. (۱۳۸۹). «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها»، *مطالعات سیاسی*، (۲) ۷، صص ۹۷-۱۲۶.
۳. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۴). «روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۳۲، صص ۴۱-۹.
۴. اسلامی، سعید، پناهی، علیرضا، و امیری، اقبال. (۱۳۹۵). «پنجه ببرهای کوچک آسیا: مدلی برای توسعه»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۴-۲۳.
۵. اطاعت، جواد. (۱۳۹۲). *ژئوپلیتیک نفت و سیاست خارجی ایران*، انتشارات علم.
۶. اخوان کاظمی، بهرام و ارغوانی، فریبرز. (۱۳۹۰). «نقش هویت دینی در همگرایی ایران و آسیای مرکزی»، *فصلنامه سیاست*، (۴۱) ۳، صص ۲۲-۱.
۷. امیدی، علی. (۱۳۸۸). *منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن، سارک و اکو*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۸. بابکان، محمدصادق. (۱۳۹۹). «ارزیابی سیاست خارجی باراک اوباما در منطقه شرق آسیا»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال ۱۱، ش ۱۳۴۳، صص ۶۷-۴۱.

۹. بهجت، جودت. (۱۳۸۰). «امنیت نفت در هزاره جدید؛ ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی»، ترجمه: قدیر نصری، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۱۶۶-۱۶۵) ۱۵، صص ۱۷۹-۱۷۰.
۱۰. ترابی، مهدی. سلطانی، علیرضا. طباطبایی پناه، سیدعلی و شیرزاد، حمیدرضا (۱۴۰۱)، «بررسی امکانسنجی تحقق اهداف سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین»، *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*، دوره ۱۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۶۰، اسفند ۱۴۰۱.
۱۱. ثقفی عامری، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۷). *ایران و سیاست نگاه به شرق*. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۲. ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۵). «در جست‌وجوی افق‌های جدید در سیاست‌خارجی ایران: سیاست نگاه به شرق»، قابل دسترس در سایت csr.ir.
۱۳. جوادی ارجمند، محمدجعفر و گنج‌خانلو، مصدق. (۱۳۹۹). «الگوی روابط عوامل کلیدی تاثیرگذار بر سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۴-۲۳.
۱۴. حقی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). «امنیت انرژی در شرق آسیا تقویت‌کننده روابط با خاورمیانه»، *رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۶۱، صص ۵۳-۴۵.
۱۵. خداقلی پور، علیرضا. (۱۳۹۶). «ابتکار کمربند - راه چین و تاثیر آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*، (۱) ۳۱، صص ۴۹-۱۷.
۱۶. خبر آنلاین، خبرگزاری تحلیلی ایران. (۱۳۸۸). «گزارش اقتصادی. بانک آسیایی؛ هموارکننده جاده ابریشم اقتصاد ایران»، قابل دسترس در سایت *خبر آنلاین*.
۱۷. خبرگزاری مهر، گزارش خبری مهر. (۱۳۸۵). «شانگهای امروز؛ نماد صلح آرامش و امنیت»، قابل دسترس در سایت *خبرگزاری مهر*.
۱۸. دهشیار، حسین. (۱۳۹۱). *سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل*، نشر میزان.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات سمت.
۲۰. داداندیش، پروین. (۱۳۸۶). «رقابت بازیگران بین‌المللی در مورد انرژی دریای خزر»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، (۲) ۲۲.
۲۱. ذوقی، ایرج. (۱۳۸۷). «عوامل موثر بر سیاست‌خارجی ایران»، *تاریخ روابط خارجی*، (۱) ۱، صص ۹۹-۱۱۰.
۲۲. رشنو، نبی‌الله. (۱۳۸۷). *الزامات ژئوپلیتیک در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران*، *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا*، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک.

۲۳. رضانی، روح‌الله. (۱۳۸۴). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه: علیرضا طیب، نشر نی.
۲۴. سازمند، بهاره. (۱۳۹۹). «سیاست نگاه به شرق: واکاوی دیپلماسی علم و فناوری ایران در قبال کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا»، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۹-۵۳.
۲۵. سوری، مهدی. (۱۳۹۱). *ژئوپلیتیک نفت و خطوط لوله در اوراسیا*، انتشارات آتی نگر.
۲۶. سریع القلم، محمود. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۷. سلامی، سیدرضا. (۱۳۷۹). «بررسی و مقایسه تطبیقی عوامل موفقیت در توسعه صنعتی و فناورانه برخی کشورهای تازه صنعتی شده آسیا»، *رهیافت*، دوره ۱۰، شماره ۲۳، صص ۷۶-۸۳.
۲۸. سلیمی بروجنی، مجید. (۱۳۹۵). «مزیت‌های جاده ابریشم جدید برای ایران»، قابل دسترس در *سایت روزنامه شرق*.
۲۹. شاه‌محمدی، پریسا. (۱۳۹۵). «گزارش میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و موسسه بین‌المللی چین»، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۹۸، صص ۳۰-۷.
۳۰. شفیعی، نوذر. (۱۳۹۴). «تبیین و امکان‌سنجی سیاست نگاه به شرق»، *فصلنامه نمای راهبردی*، (۴) ۲، صص ۱۵-۱.
۳۱. شفیعی، نوذر و صادقی، زهرا. (۱۳۸۹). «گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر اساس سیاست نگاه به شرق»، *راهبرد یاس*، شماره ۲۲، صص ۳۳۷-۳۰۷.
۳۲. شریعتی نیا، محسن و توحیدی، زهرا. (۱۳۹۳). *همگرایی آسیایی: فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران*، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۳. صفوی همامی، حمزه. (۱۳۸۸). *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه امام صادق.
۳۴. علی‌خانی، حسین. (۱۳۸۶). *تحریم ایران، شکست یک سیاست*، (چاپ سوم)، ترجمه: محمد تقی نژاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۵. عدالتیان، جمشید و معینی جزینی، رضا. (۱۳۸۶). «نقش کریدورهای بین‌المللی در حمل‌ونقل». قابل دسترس در *سایت جمعیت آبادگران جوان ایران اسلامی*.

۳۶. عزیزی، رضا. حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۴۰۱)، «شبکه مضامین نگاه ایرانی به راه ابریشم نوین چین: مورد پژوهی برنامه همکاری ایران و چین»، *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*، دوره ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۸، شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۴۱-۱۷۴.
۳۷. فرهادی، زینب و موسوی شفائی، مسعود. (۱۳۹۹). «بررسی عدم شکل‌گیری جامعه امنیتی کترنگرا در مجموعه امنیتی شمال شرق آسیا»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۸، شماره ۱۱۱، تابستان ۱۳۹۹، صص ۶۹-۴۱.
۳۸. قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، (چاپ بیستم)، انتشارات سمت.
۳۹. گازرانی، سعید. (۱۳۷۳). *مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا و موانع کاربست آن در ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۴۰. محمدی، سپیده. صالحی، مختار (۱۴۰۱). «اقتصاد سیاسی راه ابریشم جدید و وابستگی متقابل ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۸، شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۷۵-۱۹۶.
۴۱. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۹۵). *امنیت انرژی و آینده بازار جهانی انرژی*، انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۴۲. مدیر شانه چی، محسن. (۱۳۹۲). *سیاست خارجی ایران*، نشر نگاه معاصر.
۴۳. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. (۱۳۹۰). *توسعه تجارت ایران یا سازمان همکاری شانگهای*، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴۴. مهدویان، حسین و ترکاشوند، جلال. (۱۳۸۹). *انرژی و امنیت ملی ایران*، نشر انتخاب.
- مهری پرگو، وجیهه. (۱۳۸۶). «بررسی جایگاه آسیا در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *مجلس و راهبرد*، شماره ۵۷، صص ۲۳۲-۱۹۹.
۴۵. مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۰). *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، مفرس.
۴۶. نصیری، حسین. (۱۳۹۲). *تعامل منطقه، ملی و جهانی*، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴۷. نامی، محمدحسن. (۱۳۸۸). «جایگاه ویژه خلیج فارس در امنیت جهانی و نقش ایران». قابل دسترس در سایت سیویلیکا.
۴۸. نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۷). «تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، (۳) ۱۳، صص ۶۳۷ - ۶۵۰.

۴۹. نوروزی زاده، فتح اله و مهناز گودرزی. (۱۴۰۰)، «بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی نفت و گاز خلیج فارس بر امنیت ملی ایران»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال یازدهم، شماره چهار، صص ۹۹-۱۲۰.
۵۰. هرزیک، ادموند. (۱۳۸۲). *ایران و آسیای مرکزی، مقاله از کتاب امنیت در آسیای مرکزی*، ترجمه: محمدرضا دبیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵۱. یزدانی، عنایت‌الله و شاه‌محمدی، پریسا. (۱۳۹۳). «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه مطالعات مرکزی و قفقاز*، (۲۲) ۲۸، صص ۱۶۶-۱۴۱.
۵۲. یانگ، جمیان. (۱۳۸۶). *ظهور منطقه‌گرایی آسیایی و تحول در نظام بین‌الملل*. ترجمه: بدرالزمان شهبازی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، وزارت امور خارجه.
۵۳. یزدانی، عنایت‌الله، و عبادی، منا. (۱۴۰۰). *ابتکار کمربند - راه چین و منافع جمهوری اسلامی ایران*، یزدانی، *فصلنامه علمی سیاست جهانی*، دوره دهم، شماره دوم، ۱۴۰۰، صص ۱۳۰-۸۷.
۵۴. یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۴). «موانع توسعه اقتصادی ایران»، *ویژه نامه جامعه و اقتصاد*، شماره ۶، صص ۱۳۱ - ۹۶.

55. Abbas, S. Q. (2023) "Iran's Look East Policy: A Step Towards Countering Western Pressures" *NDU Journal*. Vol.37. pp. 59-72.
56. Arndt, H. W. (1987). *Economic Development, the History of an Idea*, the University of Chicago Press.
57. Bateman, S. and Joshua, H. (2014). *Southeast Asia and the Rise of Chinese and Indian Naval Power: Between Rising Naval Powers*, Routledge.
58. European Bank for Reconstruction & Development (2023). "Belt and Road Initiative (BRI)", available at: <https://www.ebrd.com/what-we-do/belt-and-road/overview.html>.
59. Breuning, M. (2007). *Foreign Policy Analysis: a Comparative introduction*, New York: Macmillan.
60. Carlsnaes, W. (1987). *Ideology and Foreign Policy: Problems of Comparative Conceptualization*, New York: Blackwell .
61. Casarini, N. (2008). What Role for the European Union in Asia? An Analysis of the EU'S Asia Strategy and the Growing Significance of EU-China Relations, *Current Politics and Economics of Asia*, 17(1), pp. 59-82.

62. Cohen, B.C. and Harris, S.A. (1975). Foreign Policy, in F. I. Greenstein and N. Polsby (Eds) Handbook of Political Science, Reading: Addison Wesley.
63. Cooperative Security Regime: A Comparison of OSCE & ARF, (2005). Sejong Policy Studies, 1(1), pp. 209 –233.
64. Fandy, M. (2005). Energy Security: Implication for US-China- Middle East Relation, instituted for Public Policy of RICE University.
65. Gerner, D. (1995). The Evolution of the Study of Foreign policy, in Laura Neack, Jeanne Hey and Patrick Haney, eds, Foreign Policy Analysis: Continuity and Change in it's Second Generation, N.J.: Prentice Hall.
66. Gill, I. and Kharas, H. (2007). Ane East Asian Renaissance, the World Bank, Washington DC.
67. Hassass, R. (1999). Statement before the Subcommittee on trade, Committee on ways Means, US. House of Representative.
68. Hatch, W. (2003). Japanese Production networks in Asia, Extending the Status Quo, in William Keller and Richard Samuels, Eds, crisis and innovation in Asia technology, Cambridge: Cambridge university press.
69. Heiran-Nia J. (2022). “The Enduring – and Growing – Strength of Iran’s “Look to the East” Foreign Policy”, MANARA Magazin, Cambridge Middle East and North Africa Forum (MENAF), Cambridge, England. 21 Feb. 2022, Available at: <https://manaramagazine.org> .
70. Hidetaka, Y. (2008). The Political Economy of Regionalism in East Asia: Integrative Explanation for Dynamics and Challenges, London: Palgrave, Macmillan.
71. Hunag, X. (2005). The Rise and fall of the East Asian Growth System 1951-2000, Rutledge Curzon.
72. Hunter, S. (2010). Iran's Foreign Policy in the Post - Soviet Era, California and London: Prager.
73. Ikenberry, G. J. (2011). The future of the liberal world order: Internationalism after America, Foreign affairs, 3(90), pp. 56-68.
74. Kee sun, L. (2002). The Chinese National Character: from Nationhood to Individuality, M.E. Sharp and USA.

75. Levi, W. (1970). Ideology, Interest, and Foreign policy, *International Studies quarterly*, 14(1), pp. 1-31.
76. Morrison, C. and Others. (2001). *East Asia and the International System*, the Trilateral Commission New York, Paris, Tokyo.
77. National Intelligence Council. (2008). *Global Trends 2025: A Transformed World*. Washington DC: National Intelligence Council.
78. Neack, L. (2008). *The New Foreign Policy: Power Seeking in a Globalised Era*, London: Rowman & Littlefield.
79. Pahlavi, P. (2022). "The Origins and Foundations of Iran's "Look East" Policy", *Australian Outlook*, Australian Institute of International Affairs, available at: <https://www.internationalaffairs.org>.
80. Park, Y.C. (2006). *Economic Liberalization & Integration in East Asia a Post- crisis Paradigm*, Oxford University Press.
81. Reischauer, E. O. (1974). *The Sinic world in perspective*, *Foreign Affairs*, 52(2), pp.341-348 .
82. Saraswat, D. (30 Oct. 2018), "Iran's Look to the East Policy: Reconciling Foreign Policy Independence and Economic Integration", *Indian Council of World Affairs*, Sapru House. New Delhi. available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4823&lid=2826.
83. Sovacool, B. K. (2009). Energy policy and cooperation in Southeast Asia: The history, challenges, and implications of the trans-ASEAN gas pipeline (TAGP) network, *Energy policy*, 37(6), pp.2359-2389.
84. Sun, X. (2010). The Efficiency of China's Multilateral Policies in East Asia, *International Relations of the Asia - Pacific*, 10(3), pp. 515-547.
85. Winter, T. (2021), "Geocultural Power: China's Belt and Road Initiative, Geopolitics", *Geopolitics*, Vol. 26, pp. 1376-1399, DOI: 10.1080/14650045.2020.1718656